

تحلیلی بر نقش و جایگاه چین در افغانستان و تأثیر آن

بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

عبداله جلالی نسب^۱

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع)، مشهد، ایران

سید یحیی صفوی

استاد جغرافیای سیاسی، دانشگاه امام حسین (ع)، تهران، ایران

عزت اله عزتی

دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۱۰/۳۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۰۸/۱۱

چکیده

کشور چین با دو دیدگاه اقتصادی و امنیتی تعاملات خود با افغانستان را ادامه می‌دهد و در بعد اقتصادی سرمایه‌گذاری در بخش معادن و انرژی است و در بعد امنیتی یکی از عمده‌نگرانی‌های چین خطر توسعه گروه‌های تکفیری و افراطی از افغانستان به چین است و تلاش می‌نماید با هماهنگی و توافق با گروه‌های افراطی محلی تأمین طرح‌های اقتصادی خود را تأمین و همچنین به دنبال واسطه‌گری جهت انجام مذاکرات صلح بین دولت افغانستان و طالبان می‌باشد. نتیجه این تحقیق بیانگر آن است که حضور چین در افغانستان و طرح‌های این کشور برای ج.ا.ا در وحله اول فرصت است و در صورت غفلت، فضای مانور ج.ا.ا در افغانستان محدود خواهد شد، و لذا لازم است ایران در دو بعد اقتصادی و امنیتی در صحنه افغانستان با چین همکاری نماید. علاوه بر موارد فوق لازم است با اقدامات اعتماد ساز نسبت به تغییر نگرش نه‌چندان مثبت سیاسیون افغانستان نسبت به ایران تلاش گردد. در مجموع می‌توان گفت که مکمل این اقدامات بنابر نظر مثبت تعداد ۸۶ درصد از پرسش‌شوندگان، انعقاد پیمان راهبردی بین ایران و افغانستان است.

واژگان کلیدی: افغانستان، امنیت ملی، ایران، چین

مقدمه

از دیر باز افغانستان برای ایران از اهمیت خاصی برخوردار بوده است به طوری که تعدادی اعتقاد دارند که امنیت ایران همواره به میزان امنیت در افغانستان بستگی داشته است و به همین جهت رصد و پایش وضعیت امنیتی افغانستان همواره در دستور کار کشور قرار داشته و تحولات آن به دقت رصد می‌گردد. بررسی تاریخ رخدادهای چند دهه اخیر افغانستان نیز بیانگر همین موضوع است و این مهم با وقوع انقلاب اسلامی از حساسیت خاصی برخوردار شد، اشغال این کشور توسط شوروی و شکست ارتش سرخ و خروج شوروی از افغانستان فضای کشور را متأثر کرد و به دنبال آن ظهور طالبان و تسلط این جریان بر افغانستان تأثیرات خاص خود را بر ایران داشت و این حساسیت به جایی رسید که تا رویارویی دو کشور فاصله چندانی نمانده بود و به دنبال آن واقعه یازده سپتامبر و حمله آمریکا و متحدین آن به افغانستان و اشغال مجدد این کشور تأثیرات زیادی را بر ج.ا.ا داشت و به دنبال آن حضور ناتو، روی کار آمدن دولت حامد کرزای و متعاقب آن به قدرت رسیدن اشرف غنی و نحوه تعامل این دولت با ج.ا.ا، (در مقایسه با سایر همسایگان آن) تأثیرات سیاسی، امنیتی، اجتماعی، اقتصادی و... بر کشور داشته و خواهد داشت و لذا به خوبی قابل درک است که افغانستان و مسائل امنیتی آن برای ج.ا.ا به عنوان یک مسئله مطرح، و پرداختن به آن همواره یک ضرورت است.

در مقطع فعلی علاوه بر کشورهای مختلف منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای که در صحنه افغانستان دارای حضور و نفوذ می‌باشند به مرور زمان کشور چین نیز حضور خود را پررنگ‌تر نموده است. اگر چه حضور سایر کشورها در خوشبینانه‌ترین حالت به عنوان رقیب ج.ا.ا تلقی می‌گردند لیکن حضور چین به جهت هم سوئی این کشور با ج.ا.ا در تعداد قابل توجهی از مسائل منطقه‌ای، کاملاً شفاف نمی‌باشد و لازم است ابعاد مختلف تعاملات رو به تزاید چین با افغانستان و هماهنگی و یا تضارب آن با منافع ج.ا.ا مورد واکاوی قرار گیرد تا در صورت امکان با یک هم گرایی با این کشور، ضمن تأمین منافع ملی، جایگاه خود را در افغانستان تثبیت و توسعه دهد. علاوه بر موارد فوق در این پژوهش سعی شده که مطالب و به‌ویژه رویکرد افغانستان به دو کشور ایران و چین از زبان و دیدگاه مراکز قدرت و تصمیم‌گیری افغانستان آورده شود تا به حقیقت نزدیک‌تر باشد.

چین یکی از کشورهای مهم منطقه شرق آسیاست که مرز کوچکی با افغانستان دارد لیکن نقش آن در آینده افغانستان می‌تواند تعیین کننده باشد از طرف دیگر ایران نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین کشورهای همسایه افغانستان، در حال حاضر در این صحنه با بازیگران مختلف منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای روبرو است که لازم است جهت تأمین منافع ملی خود از ظرفیت کشورهای همسو حداکثر بهره‌برداری را بنماید. هر دو کشور در کنار منافع و تهدیدات مشترکی که در افغانستان دارند، با پدیده‌هایی روبرو هستند که ضمن اینکه دارای ظرفیت تهدید می‌باشند برای طرف مقابل نقش فرصت را ایفا می‌کنند که در صورت عدم واکاوی و با وجود اهداف و منافع مشترک ممکن است کارکرد منفی در روابط دو کشور ایفا نماید که جهت هم افزایی و تأمین منافع ملی دو کشور، لازم است این موارد شناسائی و احصاء گردند.

تعاملات چین و افغانستان چه تأثیری بر منافع جمهوری اسلامی ایران در افغانستان و منطقه خواهد داشت ؟

در صورت احصاء ظرفیت‌های دو کشور ایران و چین، می‌توان از این ظرفیت در جهت تأمین منافع ملی ج.ا.ا در افغانستان و منطقه بهره‌برداری نمود.

اطلاعات مورد نیاز این تحقیق با استفاده از روش کتابخانه‌ای و استفاده از منابع رسانه‌ای و اینترنتی جمع‌آوری شده و شیوه تحلیل اطلاعات توصیفی-تحلیلی خواهد بود.

در این پژوهش با توجه به تخصصی بودن موضوع تحقیق و محدودیت‌های موجود، از صاحب‌نظران، خبرگان و کارشناسان حوزه‌های دفاعی-امنیتی و سیاسی و دانشگاهی کشور به‌عنوان جامعه نمونه استفاده شده است. که با توجه به اینکه جامعه آماری و جامعه نمونه بر هم منطبق می‌باشد روش نمونه‌گیری تمام شمار محسوب می‌شود. جامعه آماری نمونه از بین اساتید دانشگاهی و پژوهشگرانی که سابقه فعالیت در حوزه افغانستان را داشتند انتخاب شدند که از لحاظ مشخصاتی به‌طور کلی که دارای ویژگی‌های ذیل می‌باشند.

پیشینه

در خصوص موضوع تحقیق، پژوهش مستقلی با این عنوان صورت نگرفته لیکن مطالب مشابه‌های از جمله تأثیر حضور نیروهای فرامنطقه‌ای در افغانستان و تأثیر آن بر امنیت ملی ج.ا.ا و . . . انجام شده است لیکن در راستای موضوع پژوهش یک مقاله با عنوان " ثبات در افغانستان و نقش آن در امنیت ملی ج.ا.ا توسط آقای ملازهی انجام شده است که اهم آن به شرح ذیل می‌باشد:

در یک نگاه کلی می‌توان گفت که ثبات و بی‌ثباتی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در افغانستان تحت هر شرایط و هر دلیلی که شکل بگیرد در امنیت کلی ایران، تأثیر مستقیم و غیر مستقیم برجای خواهد گذاشت. علت آن است که افغانستان در حوزه فرهنگی ایران قرار دارد و دو کشور مرزهای طولانی با هم دارند.

تجربه ثابت کرده که هر وقت این کشور از ثبات نسبی برخوردار بوده است امنیت نسبی در مرزهای شرقی ایران تقویت و بر عکس هرگاه افغانستان درگیر بحران و جنگ بوده، امنیت ملی ایران را تحت تأثیر خود قرار داده است. حضور نظامی آمریکا در افغانستان در حقیقت، فضای تنفسی محدودتری بر ایران در این کشور تحمیل می‌کند. علاوه بر این اشغال افغانستان و ایجاد پایگاه‌های نظامی در ولایات مجاور ایران، امنیت ملی را تهدید می‌کند. ایران به‌عنوان یکی از بازیگران منطقه‌ای در کنار سایر بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی چگونه بتواند با مهارت بازی کند و منافع خود را تأمین کند.

بنابراین در اصل این موضوع که تقویت ثبات و صلح در افغانستان متضمن منافع ملی و امنیتی ایران است شکی وجود ندارد. اما بحث این است که این ثبات چگونه و به وسیله چه قدرتی به وجود خواهد آمد؟ ثبات درونی قطعاً به نفع ایران است. ولی ثبات برون‌زا که آمریکا آن را به وجود آورد منافع ملی و امنیتی ایران را تأمین نخواهد کرد. از این رو درباره نحوه استقرار صلح در افغانستان از دیدگاه امنیت ملی ایران بحث‌های جدی‌تری وجود خواهد داشت که به‌طور مطلق نمی‌تواند مثبت یا منفی باشد و بستگی به آن خواهد داشت که ایران چگونه بتواند از فضای به‌وجود آمده به سود منافع امنیتی و ملی خود استفاده کند که اگر به هر دلیلی ایران نتواند از این فضا استفاده کند، تحولات آینده در افغانستان ممکن است ثبات این کشور را تقویت کند.

ساخت قدرت متوازن، به لحاظ قومی-مذهبی در کابل برای امنیت ملی ایران به دلیل آن که نیروهای قومی - مذهبی هماهنگ با ایران حضور موثرتر خواهند یافت، مناسبت‌تر خواهد بود.

قاجاق مواد مخدر و احتمالاً کشت خشخاش در افغانستان از مقوله‌های ضد امنیتی است که تنها استقرار یک دولت قوی و متوازن قومی-مذهبی در کابل می‌تواند آن را محدود کند.

با این حال منافع ملی و امنیتی ایران با استقرار حکومتی قدرتمند در کابل که بتواند همه قومیت‌ها و مذاهب را نمایندگی کند، پیوندی انکارناپذیر یافته است.

همچنین ظن غالب آن است که ثبات یا بی‌ثباتی احتمالی در افغانستان همچنان بر میزان آبدهی هیرمند در بخش ایرانی آن تأثیر قاطع گذارد. مگر آن که شرایط برای اجرای موافقت‌نامه‌های سال ۱۳۵۲ مساعد گردد.

در هر حال در یک قضاوت مقدماتی می‌توان گفت که مسئله آب هیرمند یکی از موضوعات مهم در مناسبات ایران و افغانستان است که به دلیل پیامدهای مخرب زیست محیطی آن در مناطق مرزی دو کشور به سهولت پی‌آمدهای امنیتی و سیاسی خاص را رقم خواهد زد که غفلت از آن جایز نخواهد بود. (Mola Zehi, 2004: 52-58)

جدول ۱: وضعیت تحصیلی و میزان سن جامعه آماری

ردیف	مقطع تحصیلی		سن				رسایی پرسشنامه				
	دکتری	فوق لیسانس	لیسانس	20-30	30-40	40-50	50-60	کم	متوسط	زیاد	خ زیاد
1	25	20	5	2	5	24	19	4	7	30	9

Source: Research Findings

جدول ۲: وضعیت تحصیلی و مسئولیت جامعه آماری

اساتید دانشگاه	بخش‌های پژوهشی	مدیران بخش‌های نظامی امنیتی	مسئولین مرزی	وزارت خانه‌های اجرایی
8	8	19	5	10

Source: Research Findings

- اهداف

- (۱) تبیین و تشریح چگونگی نقش چین در افغانستان و تأثیر آن بر جمهوری اسلامی ایران
- (۲) تبیین و تشریح چگونگی جایگاه چین در افغانستان و تأثیر آن بر جمهوری اسلامی ایران

چارچوب نظری

آشنایی با کشور چین

الف- جغرافیای کشور چین: کشور چین در منطقه شرق آسیا قرار گرفته و مساحت آن بیش از ۹،۵۹۶،۰۰۰ کیلومترمربع است که به این ترتیب بعد از روسیه، دومین کشور پهناور دنیا به حساب می‌آید. این کشور با ۱۴ کشور دارای مرز زمینی بوده و از سمت شرق و جنوب با دریای چین شرقی، خلیج کوریا، دریای زرد و دیگر آب‌های آزاد احاطه شده است. کشور چین از سمت غرب به میزان ۷۶ کیلومتر با کشور افغانستان هم مرز می‌باشد.



نقشه شماره ۱: نقشه کشور چین

Source: Gitashenasi Geographical and cartographic Institute (1:10250000)

ب- جمعیت: کشور چین بیش از یک میلیارد و سیصد و پنجاه و هفت میلیون نفر جمعیت دارد. بیشترین مردم آن از نژاد زرد (نژادهان) بوده و به زبان چینی (چینی ماندارین) سخن می‌گویند، ولی زبان‌های دیگری از جمله زبان چینی کانتونی نیز در این کشور مورد استفاده می‌باشند. علاوه بر چینی‌ها اقوام دیگری نیز مانند مغولها، تبتی‌ها و ترک‌ها زندگی می‌کنند، شماری از تاجیک‌ها نیز در بخش سین کیانگ چین زندگی می‌نمایند. ادیان رایج این کشور عبارت‌اند از: کنفیسیوس، بودایی، تایو بیسم، اسلام و ترسای

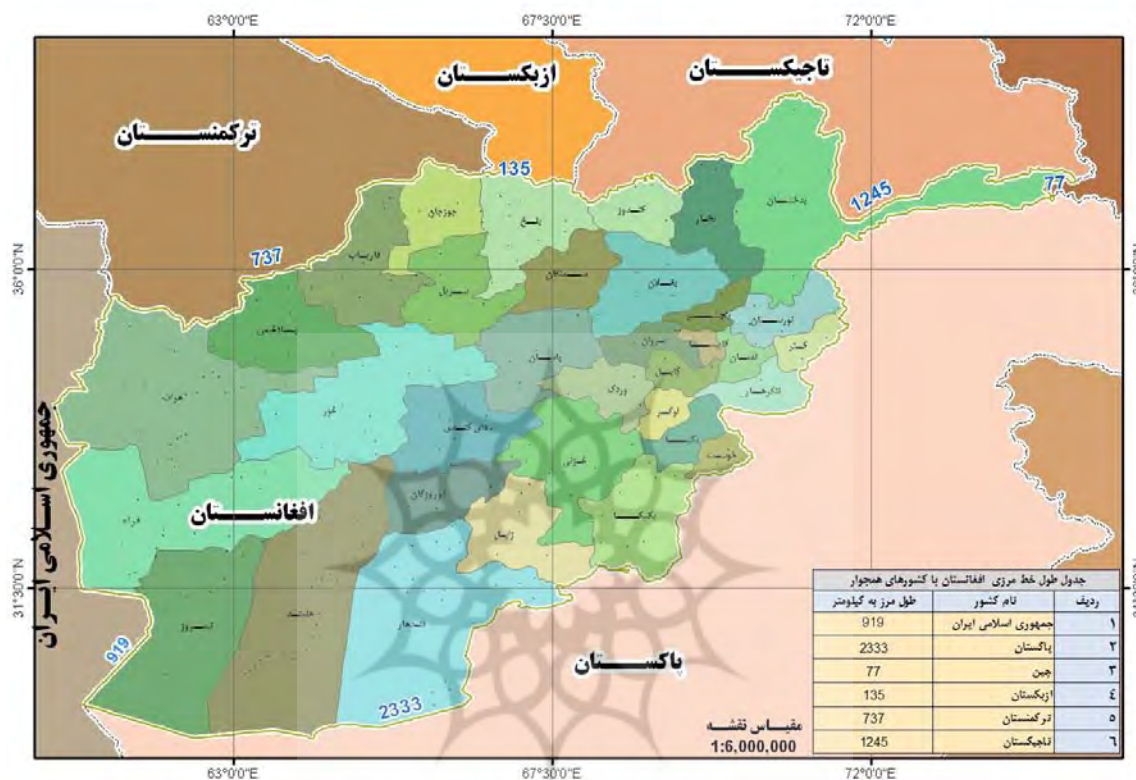
ت- اقتصاد: از آغاز سال ۱۹۷۹ حزب کمونیست چین سیاست‌های اصلاحات و درهای باز را که دنگ شیائوپینگ مطرح کرد به اجرا گذاشت. چین برای بسیاری از کشورهای عقب مانده نمونه مثال مناسب و راه آن راهی نسبتاً هموار است. چین در عرض ۲۰ سال (۲۰۰۰-۱۹۸۰)، راه صد ساله را پیمود. چنانچه رشد کنونی اقتصاد چین هم چنین ادامه یابد، چین از نظر اقتصادی، در حال رسیدن به امریکا یعنی بزرگترین اقتصاد جهان است بیش از ۵۰٪ مردم چین کشاورزند. صنعتگران ۲۴٪ و کارمندان و بازرگانان ۲۶٪ نیروی فعال این کشور را تشکیل می‌دهند.

آشنایی با کشور افغانستان

الف- حدود و مساحت: افغانستان کشوری کوهستانی است که در محدوده ۶۰ تا ۷۵ درجه طول شرقی و ۲۹ تا ۳۸ درجه عرض شمالی قرار گرفته و حدود ۶۴۷۵۰۰ کیلومتر مربع وسعت دارد. و موقعیت این کشور دارای اهمیت راهبردی است. افغانستان گره مواصلاتی مهمی بین شبه قاره هند و آسیای مرکزی و غربی محسوب می‌گردد. کشور

افغانستان از شمال با کشورهای ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان، از شمال شرق با جمهوری خلق چین، از جنوب و شرق با پاکستان و از غرب با جمهوری اسلامی ایران هم مرز می‌باشد. (Afghanistan Green Book, 2003:1)

ب- جمعیت افغانستان: جمعیت افغانستان حدود ۳۱ میلیون نفر بوده است. بیش از چهار میلیون نفر از این جمعیت به جمهوری اسلامی ایران، پاکستان و کشورهای دیگر مهاجرت نموده‌اند. نرخ رشد جمعیت در این کشور ۲/۶۷٪ می‌باشد و گفته می‌شود انفجار جمعیت قریب الوقوع است. (nami, 2007 :61)



نقشه شماره ۲: استان‌بندی افغانستان
Source: Authors (1:6000000)

ت- قومیت‌های افغانستان

مردم افغانستان بر اساس خصوصیات رنگ پوست، شکل و رنگ مو، شکل و ساخت سر و بینی و قامت، ۳ سنخ نژاد قفقازی، مغول و سیاهوار استرالیایی می‌باشند، بطوریکه اقوام پشتون، تاجیک، بلوچ و نورستانی را از سنخ قفقازی؛ اقوام هزاره، ایماق، ترکمن، ازبک و قرقیز را از سنخ مغول و براهویی‌ها را از سنخ سیاهواران استرالیایی شمرده‌اند. این اقوام به زبان‌ها و گویش‌های گوناگونی که به ۳ یا ۴ خانواده از زبان‌های عمده هندو ایرانی، اورال - آلتایی، دراویدی و احیاناً سامی تعلق دارند، صحبت می‌کنند. در مجموع ترکیب جمعیتی شامل پشتون ۴۴٪، تاجیک ۲۵٪، هزاره ۱۰٪، ازبک ۶٪، سایر اقوام شامل ایماق، بلوچ، ترکمن و... ۱۳٪ می‌باشد (Afghanistan Green Book, 2009:12)

ج- وضعیت، موقعیت و شرایط افغانستان

وضعیت، موقعیت و شرایط افغانستان را می‌توان در قالب سه الگوی تحلیلی دولت حائل، دولت ناکام و اقتصاد جنگ بررسی نمود. الگوی دولت حائل، به موقعیت و جایگاه تاریخی، منطقه‌ای و بین‌المللی افغانستان اشاره دارد،

الگوی دولت ناکام، شرایط و موقعیت داخلی را از منظر سیاسی و در حوزه‌های مختلف مورد بحث قرار می‌دهد و الگوی اقتصاد جنگ پیامدهای دولت ناکام را به درستی ابتدا در حوزه اقتصادی و سپس در حوزه‌های اجتماعی دیگر نشان می‌دهد.

۱- دولت حائل: افغانستان همیشه به‌عنوان یک دولت حائل در منطقه عمل می‌کرد. این نقش در قرن نوزدهم، به دلیل هم مرز بودن این کشور با هندوستان و نزدیکی با روسیه بود. تلاش روسیه تزاری برای دست یابی به هندوستان به‌عنوان منبع اقتصادی بریتانیا و نیز دست یابی به آب‌های گرم جنوب، افغانستان را از نظر راهبردی در وضعیتی خاص قرار داده بود. پس از جنگ جهانی دوم حائل بودن افغانستان و همچنین فقدان عمق راهبردی این کشور در پایان قرن بیستم و اوایل قرن بیستم و یکم نیز ادامه داشت. پس از فروپاشی شوروی و خروج این کشور از افغانستان تا شکل‌گیری حوادث ۱۱ سپتامبر تحولات و موقعیت افغانستان به واسطه رخداد‌های عظیمی که پدید آمده و در حال رخ دادن بود، به‌طور جدی نادیده گرفته شده بود. این امر زمینه ناهنجاری داخلی و در نهایت منطقه‌ای و بین‌المللی را برای گروهی موسوم به طالبان فراهم آورد. اما تا حادثه ۱۱ سپتامبر توجه بایسته جامعه جهانی را به خود جلب نکرد و همچنان این کشور از نظر جغرافیایی حائل بین مناطق جنوب غربی آسیا، آسیای مرکزی، خلیج فارس و خاور میانه و آسیای دور باقی ماند.

۲- دولت ناکام: دولت ناکام دولتی است که نمی‌تواند حداقل شرایط مدنی نظیر صلح، نظم و امنیت را در داخل فراهم نماید. حکومت‌های مختلف افغانستان عمدتاً حکومت‌هایی بودند که صرفاً وجه حقوقی داشتند نه سیاسی و هیچ‌گاه قادر نبودند حضور و نفوذ خود را تا مرزهای پیرامونشان گسترش دهند یعنی دچار بحران نفوذ بودند. افغانستان بیش از هفتاد درصد از بودجه‌اش را به خارجی‌ان مدیون است. این عوامل باعث می‌شود دولت ناکام مصونیت داخلی‌اش را از دست بدهد و اختلاف‌های قومی و قبیله‌ای داخلی شدیدتر رخ نماید. در نتیجه این امر ساکنان دولت ناکام چاره‌ای جز اتخاذ سه راهکار زیر برای تداوم زیست خود ندارند. الف) فرار به کشورهای همسایه به‌عنوان پناهنده ب) سازماندهی خودشان بر اساس خطوط قومی و قبیله‌ای و ایجاد ملوک الطوایفی مستقل پ) انجام کارکردهای اقتصادی غیر قانونی نظیر قاچاق اسلحه و مواد مخدر. این امر باعث می‌شود کشور دولت ناکام تهدیدی علیه امنیت کشورهای همسایه محسوب شود. ۳- اقتصاد جنگ: اقتصاد جنگ در مقابل اقتصاد صلح قرار می‌گیرد. اقتصاد صلح با نظریه‌ها بزرگ مرتبط است که ملت - دولت قوی تضمینی برای صلح است اما فقدان اقتدار دولت به معنی بی‌نظمی، هرج و مرج و جنگ است (The Defensive-Strategic Studies Group, 2006: ۱۳)

منابع طبیعی افغانستان

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی «اطلاعات صنعتی افغانستان»، روح‌الله احمدزی، رئیس بخش تشویق سرمایه‌گذاری آیسا، اعلام کرد که ارزش منابع طبیعی افغانستان سه تریلیون دلار تخمین زده می‌شود. <http://www.radiofarda.com>

از لحاظ مواد معدنی زمین شناسان آمریکا میزان ذخایر مواد معدنی افغانستان را ۱ تریلیون دلار یا بیشتر شامل مقدار مشخصی از مس، آهن و لیتیوم برآورد نمودند. و مقامات رسمی پنتاگون اعلام نمودند که افغانستان به لیتیوم

عربستان سعودی مشهور خواهد شد. همچنین بعضی از برآوردها ارزش منابع مس عینک را ۴۰ میلیارد دلار برآورد نموده‌اند.

از لحاظ منابع انرژی بررسی زمین شناسی آمریکا بیانگر وجود ۱/۶ میلیارد بشکه نفت خام، ۱۶ تریلیون فوت مکعب گاز طبیعی و ۵۰۰ میلیون بشکه گاز مایع طبیعی می‌باشد. ((Daveed Garteustein – Ross, october 2014)) همچنین دولت افغانستان براساس برآورد مطالعات نهادهای بین‌المللی در قلمرو این کشور، اعلام کرده است که شش حوزه بزرگ نفت و گاز به نام‌های حوزه نفتی آمودریا، حوزه نفتی افغان تاجک، حوزه نفتی کشکه، حوزه نفتی در ولایت هرات، حوزه نفتی کتواز و حوزه نفتی هلمند در افغانستان وجود دارد. <http://www.radiofarda.com>

تاریخچه روابط افغانستان و چین

در زمان طالبان، مناسبات چین و افغانستان در سردترین دوران سیاسی خویش قرار گرفت و چین از اینکه طالبان رزمندگان ایغور را که طرفدار جنبش اسلامی ترکستان شرقی بودند، حمایت می‌کرد، سخت نگران بود. پس از سقوط رژیم طالبان و ایجاد دولت موقت در افغانستان، زمینه‌های جدیدی در مناسبات میان دو دولت، فراهم شد.

در دسامبر ۲۰۰۱ دولت افغانستان از سوی پکن به رسمیت شناخته شد و در سال ۲۰۰۲ میلادی حامد کرزی رئیس جمهور وقت افغانستان از پکن بازدید کرد. در نتیجه این سفر نخستین قرارداد همکاری‌های اقتصادی میان دو کشور به امضا رسید و چین به یکی از بازیگران بازسازی افغانستان مبدل شد.

اما علیرغم این موضوع، مناسبات نه چندان خوب در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی میان دو دولت همجوار چین و افغانستان، در دوران جنگ سرد و یک دهه پس از آن، باعث از هم گسیختگی روابط بین‌المللی میان این دو کشور شد؛ اما پس از سقوط طالبان هر دو منافع مشترکی مد نظر قرار دادند که عبارت از تضعیف بنیاد گرایی اسلامی بود.

شکل‌گیری منافع مشترک میان پکن و کابل، فضای بازسازی را برای دولت افغانستان از سوی چینی‌ها بیشتر مساعد ساخت و این مناسبات که از سنگینی دوران جنگ رنج می‌برد، به بهترین دوران مناسبات سیاسی بین آن‌ها مبدل شد. بطوریکه چین یکی از حامیان مهم بازسازی ساختارهای از بین رفته نظام افغانستان شد و برنامه‌های نسبتاً گسترده‌ای، در زمینه بهبود مناسبات اقتصادی میان آن‌ها راه‌اندازی شده است، که نشانه خوبی برای بهبود مناسبات سیاسی نیز به شمار می‌رود.

منافع اقتصادی چین در افغانستان

بعد از آنکه افغانستان در سال ۲۰۰۲ روند تأمین صلح و بازسازی را آغاز کرد، فصل جدیدی در روابط میان افغانستان و چین گشوده شد. از نظر اقتصادی افغانستان سعی می‌کند که در بخش تجارت، سرمایه‌گذاری و کشف معادن از ظرفیت‌های بالای چین استفاده نماید که این عمل به نفع هر دو کشور خواهد بود، زیرا افغانستان می‌خواهد با این اقدام در بخش معادن به خود کفایی برسد. به لحاظ اقتصادی همکاری‌های دراز مدت با چین با ارزش‌تر و مهمتر از کشورهای دیگر برای افغانستان خواهد بود. چین در بخش معادن، صنعت، ترانزیت، تهیه مواد خام و زراعت می‌تواند نقش موثری در افغانستان داشته باشد.

دولت افغانستان اولین قرارداد استخراج نفت خود را در مورخه ۱۳۸۰/۱/۷ با چین منعقد نمود بر اساس این قرارداد، شرکت ملی نفت چین همراه با یک شرکت افغانی به نام «وطن گروپ» به اکتشاف و استخراج نفت از مناطق قشقرای، بازار کمی و زمرد سای می‌پردازد که در ولایات سرپل و فاریاب قرار دارند. ذخایر تثبیت شده نفت این حوزه ۸۷ میلیون بشکه تخمین زده می‌شود. این شامل ساخت اولین پالایشگاه نفت در خاک این کشور نیز می‌شود

<http://www.radiofarda.com>

همچنین شرکت «ام‌سی‌سی» چین در مزایده سال ۲۰۰۸ در رقابت با شرکت‌های قزاقستان، روسیه، آمریکا و کانادا توانست بزرگ‌ترین قرارداد صنعتی افغانستان، استخراج معدن مس «عینک» را از آن خود کند. این معدن در ولایت لوگر قرار دارد و ارزش آن ۴.۴ میلیارد دلار برآورد می‌شود. اکنون ۴۷ شرکت چینی در بخش استخراج معادن و سایر عرصه‌ها در افغانستان فعالیت دارند <http://www.radiofarda.com>

منافع اجتماعی کشور چین در افغانستان

کشور چین علاوه بر اینکه در سالهای اخیر در بازسازی کشور افغانستان در عرصه‌های مختلف کمک نموده در بخش تعلیم و تربیت نیز سهمی داشته است مثلاً در سال ۲۰۰۴ مدرسه متوسطه شاه شهید به کمک کشور چین به هزینه ۱۴۵ هزار دلار به بهره‌برداری رسید همچنین وسایل کمک آموزشی و ورزشی به ارزش یک میلیون دلار به وزارت معارف از طرف چین اهدا گردید (Alikozi, 2005:238).

منافع امنیتی کشور چین در افغانستان

آر آنجاییکه اهداف اقتصادی چین در افغانستان نیاز به یک محیط امنیتی با ثبات دارد لذا این کشور در تلاش است تا مرزهای استان سین کیانگ با افغانستان را برای تجارت و سرمایه‌گذاری باز نماید، هرچند پیامدهای ناخواسته‌ی امنیتی را برای ثبات داخلی سین کیانگ به همراه داشته است. چین در صدد آنست که سین کیانگ را با ثبات نگه دارد تا آن را به یک مرکز تجارتي و شبکه‌ء حمل‌ونقل در آسیای میانه تبدیل نماید، اما تشدید تنشهای اجتماعی اویغورها به علت هجوم مهاجران هان در آن ایالت، کار را در زمینه‌ی انرژی و حمل و نقل دشوار ساخته است (Hamidi, 2004: 12).

قاچاق مواد مخدر از مرزهای باز سین کیانگ نیز این منطقه را آسیب‌پذیر خواهد ساخت. مقامات چینی در حال حاضر ادعا می‌کنند که یک سوم از هرویین کشف و ضبط شده در چین از افغانستان به این کشور قاچاق می‌شود. بنابراین، افغانستان برای چین تا جایی از اهمیت استراتژیک برخوردار است و تأثیر مثبت روی منافع ملی آن دارد، که ثبات و تمامیت ارضی در سین کیانگ حفظ گردد. زیرا هرج و مرج در افغانستان و پاکستان، جنگجویان افراطی را در مرز و داخل سین کیانگ تقویت نموده است. بسیاری از کارشناسان چین در مورد پیامد همکاری گروه‌ها در سین کیانگ، از جمله جنبش اسلامی ترکستان شرقی و حزب اسلامی ترکستان هشدار می‌دهند و ادعا دارند که این گروه متشکل از «سه شر» (جدایی‌طلبان، افراط‌گرایان و تروریستان) است و این گروه‌ها با شورشیان در افغانستان در ارتباط‌اند و شورشیان افغانستان و پاکستان برای این گروه‌ها مراکز آموزشی و حمایت تدارکی را مهیا می‌سازند. بی‌ثباتی در افغانستان می‌تواند پیامدهای فراتر از این کشور داشته باشد و تأثیرات آن به صورت گسترده می‌تواند در

مناطق آسیای مرکزی و آسیای جنوبی و به مرزهای سین‌کیانگ سرایت نماید و در نتیجه، فضای امنیتی ایالت سین‌کیانگ مورد تهدید قرار گیرد.

آنان معتقدند که ادامه‌ی جنگ در افغانستان امنیت و گسترش خط انتقال انرژی چین را تهدید می‌نماید و ممکن است کشورهای کم‌تر پایدار را در منطقه، از جمله قرقیزستان و تاجیکستان نیز تضعیف نماید. کشورهای آسیای مرکزی به یک مجرای اصلی تولید مواد مخدر افغانستان تبدیل شده است، که از آن طریق شورشیان توانسته‌اند کمبود مالی‌شان را تأمین و نیز جوامع آسیای میانه را تضعیف نماید. هنگامی که مقام‌های چین مسئله‌ی روابط بین گروه‌های جدایی‌طلب سین‌کیانگ و تروریسم جهانی را بررسی می‌نمایند، متوجه می‌شوند که بی‌ثباتی در سین‌کیانگ نتیجه‌ی تهدید تروریستی گسترده از طرف افغانستان است. با این حال پکن قصد ندارد نقش امنیتی در افغانستان بازی کند که منجر به برخورد با هر یک از احزاب مختلف شود و یا در معرض هدف خطرات و تهدیدات شبکه تروریستی بین‌المللی قرار گیرد. ویژگی اصلی رویکرد چین در افغانستان اقتصادی و دیپلماتیک است

<http://www.iss.europa.eu/document>

سیاست کشور چین در افغانستان

سه هسته اصلی سیاست خارجی چین در رابطه با افغانستان:

۱- به کارگیری سیاست خارجی جهت حمایت از رشد اقتصادی چین (این راهبرد همراه با خطر پذیری در مناطق پر خطر دنیا می‌باشد)

۲- پیروی از برنامه حرکت به غرب «Go West» با هدف افزایش توسعه اقتصادی در مناطق غربی چین. در این راستا «شی جین پینگ» ایجاد کمربند اقتصادی در طول جاده ابریشم را با هدف توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل در منطقه ارائه داده است که سرمایه‌گذاری چین در افغانستان در راستای همین طرح می‌باشد.

۳- اصل عدم دخالت در امور داخلی کشورها، این سیاست به‌عنوان ابزار قدرت نرم چین به کار می‌رود (Daveed (Garteustein – Ross, october 2014).

علاوه بر آن ماده ۶۵ قانون دفاع ملی چین نیز که در سال ۱۹۹۷ به تصویب رسیده است در مورد روابط نظامی چین با کشورهای خارجی می‌گوید: جمهوری خلق چین (در رابطه با کشورهای دیگر) به پنج اصل احترام متقابل به حاکمیت و تمامیت ارضی پایبند است که عبارت‌اند از عدم تجاوز و مداخله در امور داخلی به‌طور متقابل، برابری و نفع متقابل، همزیستی مسالمت‌آمیز، رعایت استقلال در روابط نظامی و همکاری و مبادله نظامی با کشورهای دیگر (Matsuda, 2006: 14).

راهبرد چین در افغانستان

- کمک محدود همراه با مساعدت‌های امنیتی

اولین جنبه قابل توجه راهبرد چین در افغانستان کمک محدود همراه با کمک‌های امنیتی است در گزارش منتشر شده از طرف وزیر مالیه افغانستان اعلام شده است که چین از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۳ مجموعاً ۲۵۲ میلیون دلار به افغانستان کمک کرده است که در بین کشورهای کمک‌کننده، رتبه ۱۶ می‌باشد که بعد از ایتالیا، ایران و اسپانیا که از

قدرت اقتصادی کوچک‌تری برخوردارند قرار می‌گیرد که نسبتاً کمک‌های محدود و کمی است. همچنین آموزش ۳۰۰ نفر از افسران امنیتی در چین را به عهده گرفته که هر دوی این موارد در راستای این راهبرد می‌باشد.

- راهبرد توافق با گروه‌های شبه نظامی به جای توافق با دولت افغانستان:

چین ترجیح می‌دهد به جای کمک‌های امنیتی به دولت و ارتش افغانستان با گروه‌های... و از جمله طالبان توافق نماید و در این خصوص حتی با شبه نظامیان محلی نیز توافق نموده است. (چین جهت تأمین امنیت پروژه‌های خود سعی می‌کند به جای تعامل با دولت، با گروه‌های شبه نظامی محلی به تفاهم و توافق برسد).

- راهبرد فعالیت چند بعدی:

سومین جنبه از راهبرد چین در افغانستان علاقه پکن به کار در یک چارچوب چندگانه و چند بعدی جهت توسعه منافع امنیتی شامل دکترین عدم دخالت می‌باشد (Daveed Garteustein, 2014: 16).

*چین از دیدگاه مقامات و اسناد افغانستان

- سیاست خارجی افغانستان در قبال چین و تاثیر آن بر همکاری‌های منطقه‌ای

مهم‌ترین مولفه‌های سیاست خارجی افغانستان در قبال چین را می‌توان در چهار موضوع ذیل خلاصه نمود:

۱- جلب سهم چین در افزایش نوسازی و بازسازی افغانستان

۲- جلب حمایت‌های بیشتر برای مبارزه با پدیده تروریسم.

۳- جلب همکاری بیشتر چین برای ایجاد و تقویت اعتماد میان افغانستان و پاکستان

۴- ایجاد توازن با قدرت‌های مهم منطقه در راستای کمک به همکاری‌های منطقه‌ای (Balkhi, 2014: 227).

فرصت‌های سیاسی

چین با داشتن مناسبات حسنه با دولت‌های روسیه، ایران، پاکستان و مجاورت سرزمینی با هندوستان، می‌تواند نقش مهمی در تأمین ثبات منطقه و کاهش تهدیدات بنیاد گرایی و دهشت افکنی داشته باشد. از سوی دیگر، نقش مهم و با اهمیت چین در آسیای میانه نیز برای افغانستان حائز اهمیت است. این کشور همچنان به‌عنوان یک بازیگر اصلی در سازمان همکاری‌های شانگهای برای افغانستان، این فرصت را مهیا نموده است تا به‌عنوان عضو ناظر در سازمان شانگهای شناخته شود. تداوم سیاست موازنه افغانستان در قبال چین فرصت عضویت دائمی کشور را نیز در شانگهای فراهم می‌کند.

در دکترین امنیتی چین، پاکستان به‌عنوان حامی طالبان و افراط گرایان مسلمان شامل ایغورهای سین کیانگ، منبع تهدید برای چین و منطقه است. این نگاه چینی با شعار حکومت افغانستان هم خوانی داشته و فرصت خوبی ایجاد می‌کند تا دو کشور در راستای تغییر سیاست‌های امنیتی پاکستان تلاش ورزند. از این طرف، تحکیم و ثبات دولت در افغانستان، فرصت بسیار خوبی برای امنیت چین فراهم نموده است، که در نتیجه ایغورهای سین کیانگ نمی‌توانند از افغانستان به‌عنوان پناه گاه و حامی حملات خود در خاک چین استفاده کنند (Balkhi, 2014: 236).

فرصت‌های اقتصادی-تجاری افغانستان

افغانستان برای احیای مجدد زیرساخت‌های اقتصادی و استفاده از موقعیت ژئو اکونومیکی که در منطقه دارد، به دنبال یک سیاست توسعه‌گرا و اقتصاد محور است تا از این طریق به توسعه پایدار برسد. برای نیل به این هدف، همکاری و داد و ستد غول‌های اقتصادی عظیم جهان و بخصوص در منطقه، ضرورت کشور به حساب می‌آید. چین در این میان، از موقعیت بسیار مناسبی برخوردار است. این کشور با سطوح مختلف تولید اجناس متناسب با میزان اقتصاد دولت‌ها در جهان، بازار مطلوبی برای تاجران افغان است. میزان واردات اجناس چینی به افغانستان طی ده سال از ۱۷ میلیون دلار به ۱۵۲ میلیون دلار در سال ۱۳۸۷ رسید. و در حال حاضر با توسعه همکاری‌ها روند رو به رشدی پیدا کرده است (قرارداد استخراج مس عینک، ساختن راه آهن، بهره‌برداری از معادن ذغال سنگ و تولید یک میلیون تن آهن، ساخت یک کارخانه تولید برق به قدرت ۴۰۰ مگاوات، استخراج مقدماتی ذخایر نفت و گاز در ولایات شمال شرقی سرپل و فاریاب) (Balkhi, 2014: 239-237).

فرصت‌های فرهنگی علمی

در سال ۱۳۸۵ با سفر رییس جمهور کرزی به پکن، دولت آن کشور اعطای بورسیه‌های تحصیلی به دانشجویان افغانستان را قبول کرد. در سال ۱۳۹۱ تعداد ۲۵۰ دانشجو در دانشگاه‌های چینی مشغول تحصیل شدند. هم‌چنین، دولت چین از راه‌اندازی رشته‌های زبان و ادبیات چینی در پوهنتون کابل استقبال نموده و به آن کمک می‌نماید (Balkhi, 2014: 240). علاوه بر موارد فوق تعاملات فرهنگی دو کشور در چند وقت اخیر نیز روند رو به رشدی پیدا کرده است.

فرصت‌های نظامی-امنیتی افغانستان

در اعلامیه مشترک میان افغانستان و چین که در سال ۲۰۱۲ میان مقام‌های دو کشور به امضا رسید، هر دو طرف، فرصت‌های نظامی و امنیتی را چنین بر شمردند: دو طرف تمامی اشکال تروریسم افراط‌گرایی، جدایی طلبی و جرائم سازمان یافته را که تهدید مشترک است به شدت محکوم و توافق کردند تا مبادلات و همکاری‌هایشان را در بخش امنیتی با مبارزه مشترک علیه تهدیدهای فراملی مانند تروریسم، مهاجرت غیر قانونی، قاچاق مواد مخدر و اسلحه، تحکیم بخشیده و سطح همکاری‌های خود را در بخش تبادل اطلاعات و مدیریت مرزی ارتقا ببخشند. چین همچنان سالانه برای تعدادی از نیروهای امنیتی افغانستان در قالب بورس‌های کوتاه مدت و درازمدت، آموزش‌های تخصصی فراهم می‌سازد (Balkhi, 2014: 242).

اهمیت افغانستان در سیاست خارجی چین

اصول سیاست خارجی چین در قبال افغانستان مبنی بر منابع ملی آن کشور تعریف شده است. بنابر این، به‌طور کلی شش ملاحظه اساسی را می‌توان در سیاست چین نسبت به افغانستان برشماری نمود:

- پای ایالات متحده آمریکا در منطقه باز نشده و تهدیدی برای چین ایجاد نکند.
- جلوگیری از نفوذ هند در افغانستان (در این سیاست، گاهی اوقات با پاکستان هماهنگ می‌شود)

- جلوگیری از گسترش بنیادگرایی طالبان و حمایت از سیاست‌های پروسه صلح دولت افغانستان (به جهت ملاحظات مبارزان سین کیانگ)

- در روابط با پاکستان، در قبال بحران افغانستان سیاست بی طرفانه اتخاذ نموده است و اکثر اوقات با پاکستان هم سو می‌باشد.

- توجه به منابع زیر زمینی افغانستان

- نقش بارز افغانستان به عنوان یک جغرافیایی مهم در واردات و صادرات چین

- نگاه شکاکانه به افغانستان با توجه حضور آمریکا در این کشور (در این موضوع با روسیه و ایران نیز هماهنگی می‌باشد).

در سطح کلان، کلیت سیاست چین در قبال افغانستان بر محور مسائلی می‌چرخد که به طور فشرده اشاره شد، اما این کشور از لحاظ امنیت داخلی نیز نسبت به افغانستان توجه داشته است. بنابراین، سیاست امنیتی چین در مورد افغانستان متأثر از نگران‌های ناشی از ثبات و امنیت در سین کیانگ است (هوشینگ، ۲۰۱۲: ۴-۳) در حالی که "جنبش اسلامی ترکان شرقی" بزرگ‌ترین تهدید داخلی برای ثبات و امنیت سین کیانگ شناخته می‌شود از دید چین، افراط گرایی موجود در منطقه یکی از جدی‌ترین تهدیدات خارجی علیه چین به شمار می‌رود. به باور رهبران چین، اوضاع افغانستان بر امنیت سین کیانگ اثرات جدی دارد و بر کلیت محیط پیرامون سین کیانگ نیز اثر گذار است: به عبارت دیگر، از نظر چین، افغانستان، آن واقعت خطر آفرین بیرونی است که امنیت تمام مناطق پیرامون سین کیانگ، از جنوب تا آسیای مرکزی را متأثر می‌سازد. بی ثباتی در افغانستان به صورت اجتناب ناپذیر، بر مناطق یاد شده اثر می‌گذارد. (Balkhi, 2014: 248)

- آخرین تحولات در روابط دو کشور

در سفر چهار روزه اشرف غنی به چین که در آبان ماه سال ۹۳ انجام گرفت چهار موافقت نامه امضاء شد این توافقات شامل برداشتن شرط ویزای ورود برای گذرنامه‌های سیاسی دو کشور، ارائه خدمات بشردوستانه از سوی چین به افغانستان، گسترش همکاری‌های فنی و اقتصادی و گسترش روابط میان اتاق‌های تجارت افغانستان و فدراسیون صنعت و تجارت چین می‌شود. علاوه بر این، شی جین پینگ، رئیس جمهور چین در این دیدار وعده کمکی به ارزش ۵۰۰ میلیون یوان، معادل ۸۲ میلیون دلار را به افغانستان، تا پایان سال ۲۰۱۵ میلادی داد و گفت در سال‌های آینده میزان این کمک‌ها تا یک و نیم میلیارد یوان افزایش خواهد یافت. او همچنین گفت که کشورش در پنج سال آینده، ۵۰۰ بورس تحصیلی در اختیار دانشجویان افغان قرار خواهد داد و علاوه بر آن به ۳۰۰۰ کارمند دولت افغانستان در زمینه‌های تخصصی و ارتقای ظرفیت آموزش خواهد داد

(<http://www.bbc.com/persian/afghanistan/>)

امضا تفاهم‌نامه مبارزه با تروریسم بین چین و افغانستان

نورالحق علومی، وزیر کشور افغانستان روز یکشنبه، ۲۷ خرداد ۱۳۹۴، در یک کنفرانس خبری در رابطه با سفر اخیرش به چین اعلام کرد که برای بهبود امنیت در منطقه به تفاهم‌نامه‌های دوجانبه و چندجانبه نیاز است و در این

رابطه تفاهم‌نامه‌ای با چین امضا شده است. افغانستان و چین در این زمینه به تفاهم رسیده‌اند که باید با تروریسم به صورت مشترک مبارزه شود» <http://www.dw.com/fa-af>

سیاست خارجی افغانستان در قبال ایران

در بررسی کارکرد کارگزاران سیاست خارجی افغانستان با ایران می‌توان شش محور سیاست خارجی افغانستان را در فضای پسا طالبان به صورت ذیل بیان کرد: (Tamana, 2014 : 98-126).

۱- احیای وجهه بین‌المللی افغانستان پس از چهار دهه جنگ

افغانستان پس از ۱۱ سپتامبر از انزوای طالبانی خارج شد و روابط خود را با کشورهای مختلف از نو ایجاد کرد. ایجاد سفارت خانه‌ها، کنسول‌گری‌ها و نمایندگی‌های دائم از مهم‌ترین اقداماتی است که افغانستان پس از ۱۱ سپتامبر به انجام رسانده است. این اقدام از جمله اولین گام‌های مهم برای خروج افغانستان از انزوا بوده است و افغانستان را به عنوان بازیگر در روابط بین‌المللی معرفی کرد.

۲- جلب مشارکت برای بازسازی افغانستان

سیاست خارجی افغانستان در قبال ایران با محوریت ایجاد روابط و جلب مشارکت در بازسازی کشور، بیشتر در راستای کسب حمایت‌های اقتصادی و تداوم میزبانی ایران از مهاجرین افغان بوده است. افغانستان پس از سقوط طالبان توانست ۵۶۰ میلیون دلار تعهد از ایران برای بازسازی به دست آورد و در کنفرانس پاریس نیز ایران ۵۰ میلیون دلار کمک بلا عوض و ۳۰۰ میلیون دلار به صورت قرضه وعده داد. بیشتر حمایت‌های ایران در استان هرات در ساخت تاسیسات برق و توسعه تجارت اختصاص داده شده است. اما بر اساس گزارش وزارت مالیه افغانستان از میزان کمک‌های تعهد شده کشورها و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برای بازسازی افغانستان، ایران ۲۵۴ میلیون دلار به صورت بلا عوض در چارچوب تعریف پروژه‌های مختلف به افغانستان کمک کرده است.

۳- مدیریت آب و استفاده بهینه از آب هلمند

افغانستان از جمله کشورهای در حال توسعه و دارای منابع آبی قابل توجه است. به صورت مجموعی میانگین ذخایر آب سالانه به شکل بارش در حدود ۱۶۵۰۰۰ میلیون متر مکعب در تمام کشور است. به صورت مجموعی مقدار سالانه حجم آب‌های سطحی در حدود ۸۰ میلیارد متر مکعب است. افغانستان بر اساس ضرورت جدی کشاورزان مناطق همجوار رودخانه هریرود، طرح ایجاد سد سلما بر روی آب هریرود را در شهرستان چشت استان هرات در دستور کار قرار داده است.

افغانستان با توجه به نیازمندی‌اش به آب در سیاست خارجی‌اش در مورد آب نسبت به ایران به معاهده سال ۱۳۵۱ که بین موسی شفیق صدراعظم افغانستان و امیر عباس هویدا نخست وزیر وقت ایران امضا شد، پایبند است. بر این اساس کمیته مشترک کمیساران آب هلمند میان افغانستان ایجاد شد و دو کشور در این رابطه همکاری می‌کنند.

۴- مدیریت منافع متضاد جامعه بین‌المللی در افغانستان

حضور بیش از ۴۰ کشور پس از سال ۲۰۰۱ باعث شکل‌گیری رقابت‌های امنیتی، سیاسی و فرهنگی در افغانستان شده است. در چنین شرایطی نمی‌توان امید داشت که حتی با سیاست‌های مؤثر داخلی دولت افغانستان بتواند بر چالش‌های داخلی امنیت فائق آید.

افغانستان در روابط با ایران که حضور آمریکا و برخی دیگر از کشورها را محدود شدن خود تلقی می‌کند، بخشی از انرژی خود را صرف مدیریت کنش‌های ایران در رقابت با کشورهای غربی می‌کند. ایران یکی از الگوهای تأمین منافع خود در افغانستان را، مخالفت با نفوذ کشورهای خارجی در منطقه می‌داند و با الگوی رفتاری آمریکا مخالفت و مقابله می‌کند (Mohammadi & Mottagho, 2008: 182). افغانستان همواره یکی از محورهای سیاست خارجی‌اش را معطوف به رقابت‌های ایران-آمریکا، ایران-عربستان، ایران-پاکستان، ایران-ترکیه، ایران-ناتو، ایران-امارات و IP (خط لوله صلح ایران، پاکستان، هند) - TAPI (پروژه خط لوله گاز ترکمنستان، افغانستان، پاکستان، هند) کرده است.

افغانستان خود را قربانی رقابت‌های منطقه‌ای و جهانی می‌داند. از این جهت علاقه مند به همکاری‌های بیشتر ایران با کشورهای دیگر بخصوص آمریکا در افغانستان است.

۵- امنیت مرزهای غربی و قاچاق مواد مخدر

مرز مشترک ایران و افغانستان بیشتر اوقات به‌عنوان معبر مهم قاچاق چیان مواد مخدر محسوب می‌شود. قاچاق مواد مخدر در این مرزها ارتباط مستقیمی با نا امنی در داخل افغانستان دارد.

افغانستان برای کاهش مشکلات مرزی کمیسیون مشترک امنیتی را در مورخ ۳۰ خرداد ۱۳۹۰ ایجاد کرد تا به این وسیله مشکلات امنیتی موجود در مرزهای شرقی را کاهش دهد تا ماه خرداد ۱۳۹۳ دو نشست این کمیسیون در تهران و کابل برگزار شده است.

۶- مهاجران افغان مقیم ایران

افغانسان نزدیک به ۲ میلیون مهاجر در ایران دارد (بعضی از آمارها حداقل ۲/۵ میلیون نفر قید کرده‌اند). با گذشت یک دهه از حکومت جدید به علت فراهم نبودن بسترهای کار، افغانستان هنوز به زمان بیشتری برای پذیرش مهاجرین افغان از کشورهای مختلف بخصوص ایران دارد. کشورهای میزبان مهاجرین افغان در طول یک دهه گذشته از این فرصت بهره برده و از آن به‌عنوان یک اهرم سیاسی مؤثر برای اعمال فشار سیاسی در تعامل با افغانستان استفاده نموده‌اند. بر این اساس یکی از محورهای سیاست خارجی افغانستان مدیریت این گونه فشارهای سیاسی بوده است. از این رو مقامات عالی رتبه و هیئت‌های مختلف دستگاه دیپلماسی افغانستان در همکاری با وزارت امور مهاجرین بیش از ده‌ها بار در این دوره با هدف مدیریت این موضوع به ایران سفر کرده‌اند. به نظر می‌رسد به‌صورت کلان روابط خارجی افغانستان نسبت به ایران بیشتر در قالب بی طرفی منفی^۱ قابل تفسیر باشد. با توجه به شرایط داخلی و سیاست بازسازی، به‌صورت عموم بی طرفی منفی نه‌تنها در قبال ایران بلکه مهمترین ویژگی سیاست خارجی افغانستان نسبت به سایر همسایگانش نیز بوده است.

تجزیه و تحلیل

الف- تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از طریق پرسشنامه‌ها (مربوط به کشور چین):

۱. بی طرفی منفی نوعی جهت‌گیری سیاسی است که بر اساس آن کشور دارای نقش انفعالی بوده است و به جای تلاش برای نقش فعال سعی می‌کند به هر قیمتی خود را از جنگ و درگیری دور نگه دارد.

این پرسشنامه به منظور بررسی حضور چین در افغانستان و تأثیر آن بر امنیت ملی ج.ا.ا. تدوین گردیده است و دارای ۲ متغیر و ۳ گویه به شرح ذیل می‌باشد:

- گویه ۱- پیمان راهبردی افغانستان با چین
گویه ۲- میزان نفوذ چین در ارکان سیاسی، نظامی و امنیتی افغانستان
گویه ۳- پیمان راهبردی افغانستان با ج.ا.ا

روش‌های مورد استفاده در تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه:

در این پژوهش از مقیاس لیکرت برای تهیه پرسشنامه استفاده شده است. بدین ترتیب که برای هر گویه ۵ گزینه در نظر گرفته شده است. برای هر یک از گزینه‌ها وزنی مطابق جدول زیر اختصاص داده شده است:

جدول شماره ۳: طیف لیکرت

طیف لیکرت	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم
وزن	5	4	3	2	1

Source: Research Findings

امتیاز مربوط به گویه‌ها از ضرب کردن تعداد پاسخ‌های هر یک از میزان‌ها در وزن مربوط به آن میزان حاصل شده و میانگین هر گویه نیز از تقسیم کردن امتیاز آن گویه بر مجموع پاسخ‌های داده شده، به دست آمده است.

$$\text{امتیاز} = \sum_{n=1}^2 (\text{تعداد هر میزان} * \text{وزن مربوط به آن میزان})$$

$$\text{میانگین هر گویه} = \frac{\text{امتیاز هر گویه}}{\text{تعداد پاسخ‌دهندگان}}$$

تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه: داده‌های حاصل از پرسشنامه به شرح جدول زیر می‌باشند:

جدول شماره ۴: نتیجه و پاسخ گویه‌های مربوط به چین

میزان	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	امتیاز	میانگین
پیمان راهبردی افغانستان با چین	3	8	19	16	4	160	3.2
میزان نفوذ چین در ارکان سیاسی، نظامی و امنیتی افغانستان	5	9	17	13	6	156	3.12
مجموع	8	17	36	29	10	316	6.32
درصد سهم هر یک از گزینه‌ها	8%	17%	36%	29%	10%		

Source: Research Findings

جدول فوق نشان می‌دهد که پاسخ‌دهندگان میزان تأثیر پیمان راهبردی افغانستان با چین و میزان نفوذ چین در ارکان سیاسی، نظامی و امنیتی افغانستان بر امنیت ملی ج.ا.ا. ایران را ۳۹٪ در حد زیاد و خیلی زیاد و ۶۱٪ در حد متوسط و پائین‌تر ارزیابی نمودند. همچنین میانگین میزان تأثیر پیمان راهبردی افغانستان با چین بر امنیت ملی ج.ا.ا. ایران ۳.۲ و میانگین تأثیر میزان نفوذ چین در ارکان سیاسی، نظامی و امنیتی افغانستان بر امنیت ملی ج.ا.ا. ایران ۳.۱۲ به دست آمده است که نشانگر تأثیر تقریباً برابر این دو گویه بر امنیت ملی ج.ا.ا. ایران می‌باشد.

تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه در مورد ایران

داده‌های حاصل از پرسشنامه به شرح جدول زیر می‌باشند:

جدول شماره ۵: نتیجه و پاسخ گویه‌های مربوط به ایران

میانگین	امتیاز	میزان					گویند: به‌طور کلی تأثیر هر یک از مولفه‌های زیر، بر امنیت ملی ج.ا.ا را
		خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	
4.42	221	32	11	4	2	1	پیمان راهبردی افغانستان با ج.ا.ا
		32	11	4	2	1	مجموع
		64%	22%	8%	4%	2%	درصد سهم هر یک از گزینه‌ها

Source: Research Findings

جدول فوق نشان می‌دهد که پاسخ‌دهندگان میزان تأثیر پیمان راهبردی افغانستان با ج.ا.ا بر امنیت ملی ج.ا.ا را در حدود ۸۶٪ در حد زیاد و خیلی زیاد و در حدود ۶٪ در حد متوسط و پائین‌تر ارزیابی کردند.

بر اساس نظر سنجی انجام شده پرسش‌شوندگان در پاسخ به سؤال میزان تأثیر پیمان راهبردی افغانستان با چین و همچنین میزان نفوذ چین در ارکان سیاسی، نظامی و امنیتی افغانستان و تأثیر آن بر امنیت ملی ج.ا.ا تعداد ۳۶ درصد از پاسخ‌دهندگان گزینه متوسط، تعداد ۲۹ درصد گزینه زیاد و تعداد ۱۰ درصد گزینه خیلی زیاد را انتخاب نمودند که با توجه به نتایج فوق و نظر به اینکه بیشترین فراوانی پاسخ‌های در گزینه متوسط می‌باشد چنین می‌توان نتیجه‌گیری کرد که پاسخ‌دهندگان به این موضوع اشاره دارند که حضور چین در افغانستان هم می‌تواند تهدید باشد و هم فرصت و در صورتی که بتوان از پتانسیل چین در جهت تأمین منافع ملی استفاده نمود. بدون شک برای ج.ا.ا یک فرصت است لیکن در صورتی که از این پتانسیل بهره‌برداری نشده و از عنصر همسایگی به خوبی بهره‌برداری نشود حداقل فضای اقتصادی موجود در چین از ج.ا.ا نیز سلب خواهد شد. علاوه بر موارد فوق انتخاب ۳۹ درصدی گزینه زیاد و خیلی زیاد پرسش‌شوندگان بیانگر آن است که تعداد قابل توجهی بر این اعتقاد هستند که حضور و نفوذ چین در افغانستان در راستای منافع ملی ج.ا.ا است لذا در مجموع می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری نمود که حضور چین در افغانستان تأثیر مثبت بر امنیت ملی ج.ا.ا خواهد داشت که این موضوع با مد نظر قرار دادن حضور مخاطره‌آمیز آمریکا و کشورهای عضو ناتو در افغانستان و رقابت این کشورها با چین در عرصه‌های مختلف، با واقعیت‌های کنونی صحنه افغانستان مطابقت دارد. علاوه بر موارد فوق پرسش‌شوندگان در پاسخ به نقش پیمان راهبردی افغانستان با ایران و تأثیر آن بر امنیت ملی، تعداد ۶۴ درصد گزینه خیلی زیاد و تعداد ۲۲ درصد گزینه زیاد را انتخاب کرده‌اند که پاسخ ۸۴ درصدی زیاد و خیلی زیاد به این گزینه مبین این موضوع است که تأمین منافع ج.ا.ا در افغانستان در گرو انعقاد پیمان راهبردی با افغانستان می‌باشد و لذا چنین می‌توان نتیجه‌گیری کرد که همسان با حضور چین در افغانستان لازم است ایران نیز در این کشور حضوری پررنگ داشته باشد. که مسلماً پیش‌نیاز این پیمان عقد قراردادهای مختلف اقتصادی با این کشور می‌باشد.

نتیجه‌گیری

جمهوری اسلامی ایران به دلیل همسایگی با افغانستان همواره از تحولات و دگرگونی‌ها در این کشور خود بخود تأثیر پذیرفته و همواره امنیت ملی آن متأثر از تحولات و تغییرات در افغانستان بوده است. بدین ترتیب که هر گاه این تحولات مثبت و به نفع ج.ا.ا باشد، امنیت ملی ایران بیشتر تضمین گردیده است. لذا همان‌گونه که از نظر سنجی‌ها استنباط گردید حضور چین در افغانستان تا حدود بسیار زیادی تأثیر منفی بر منافع و امنیت ملی ایران نخواهد گذاشت و به تفسیر دیگر حضور این کشور با منظور و جهت‌گیری‌های خاص تا اندازه معین در جهت منافع

ملی ج. ا. می‌باشد که لازم است برای بهره‌برداری از آن برنامه‌ریزی شود. سایر دلایل و تاثیرات حضور چین در افغانستان به شرح ذیل می‌باشد:

الف- موقعیت ژئوپلیتیکی

کشور افغانستان به لحاظ ژئوپلیتیکی به دلیل اینکه مکمل ژئواستراتژی همسایگانش بوده دارای اهمیت راهبردی است و گره موصلاتی بین شبه قاره هند و آسیای مرکزی و غربی محسوب گردیده به‌طوری‌که می‌توان گفت این کشور منطقه‌ای است که حلقه پیوند چند قدرت مهم در تحولات آینده آسیا محسوب می‌شود، و لذا اهمیت ژئوپلیتیکی افغانستان را می‌توان یکی از دلایل تمایل چین به افزایش حضور و نفوذ در این کشور دانست.

ب-هاب انرژی منطقه

افغانستان از یک سو با ذخایر بکر انرژی در آسیای میانه و منابع سرشار انرژی در غرب آسیا از طریق ایران و خلیج فارس در ارتباط است و از سوی دیگر با چین به‌عنوان بزرگترین مصرف کننده انرژی در آینده. این کشور که به تعبیری از دیر باز به‌عنوان قلب آسیا عمل می‌نماید از این توانایی ژئوپلیتیکی برخوردار است که جاده طلائی ابریشم را برای ترانزیت انرژی احیا کند که از جمله در راستای راهبرد "حرکت به سمت غرب GO WEST" چین در توسعه مناطق غربی این کشور نیز می‌باشد و ضمن انتقال نفت آسیای میانه به هند و چین در بازی‌های جدید اقتصادی منطقه‌ای نقش بسیار مهم و تعیین کننده‌ای را به عهده دارد. از طرف دیگر یکی از راهبردهای دولت جدید افغانستان تبدیل این کشور به هاب ترانزیتی منطقه است لذا از این جهت در صورت توسعه تعاملات چین و افغانستان در بحث انرژی و عدم مشارکت ایران در این مقوله و با توجه به طرح ایران نسبت به انتقال انرژی خود به کشورهای شرقی، این موضوع می‌تواند بر خلاف منافع ملی کشور در بحث انرژی باشد و لذا بایستی در این خصوص تدابیری اندیشیده شود.

پ-اقتصادی

چین در روابط اقتصادی خود با افغانستان از روش سنتی خود که با سایر کشورهای در حال توسعه معمول داشته بهره خواهد برد یعنی بهره‌برداری از معادن افغانستان و استخراج نفت و گاز این کشور و تسهیل صادرات آن به چین از یک سو و انتقال کالاهای تولیدی و صادرات خدمات فنی-مهندسی از چین به افغانستان از سوی دیگر در راهبرد اقتصادی چین در قبال افغانستان تعقیب خواهد شد.

از اهداف و راهبردهای اعلامی و اقدامی چین در افغانستان چنین استنباط می‌گردد که این کشور با دو هدف اقتصادی و امنیتی، در حال افزایش نفوذ خود در افغانستان می‌باشد و جهت تحقق این هدف سایر ابزارهای خود و از جمله دیپلماسی و سیاست خارجی خود را به کار گرفته است و در حالی که در بین کشورهای کمک کننده به افغانستان در رتبه شانزدهم قرار دارد لیکن حجم تعاملات و بهره‌برداری آن از بستر موجود افغانستان به مراتب بیشتر از سایر کشورها و از جمله ایران می‌باشد که حجم کمک‌هایش به مراتب بیشتر از چین است و لذا جای دارد که ج. ا. نیز در بعد اقتصادی و همسان با کمک‌های اهدائی در صحنه اقتصادی افغانستان حضور پر رنگ‌تری داشته باشد و در این راستا در فضای جدید که امکان رفع تحریم‌ها نیز وجود دارد و با توجه مرز مشترک طولانی و دسترسی‌های

بسیار زیاد ایران می‌تواند در خصوص مشارکت ایران در پروژه‌های مختلف معادن و انرژی با چین رایزنی نماید تا در صحنه اقتصادی ایران به حاشیه رانده نشود. همچنین افغانستان از گزینه‌های ارتباط زمینی ج.ا.ا با چین بوده و برنامه‌های کریدر یا راهروی اقتصادی بین‌المللی شرق به غرب ج.ا.ا با سیاست دولت جدید چین در احیای نوار اقتصادی زمینی راه ابریشم که افغانستان و ج.ا.ا بخش از آن می‌باشند در حوزه سرزمینی افغانستان هم‌پوشانی داشته و می‌تواند به بهبود وضعیت اقتصادی و طبیعتاً ثبات و امنیت در این کشور کمک نماید.

ت - امنیتی

در بعد امنیتی همان‌گونه که در متن مقاله نیز به آن اشاره شده است یکی از نگرانی‌های اصلی چین افزایش اقدامات تروریستی گروه‌های جدایی طلب در این کشور به‌ویژه در استان سین کیانگ می‌باشد، از جمله جنبش اسلامی ترکستان شرقی که دارای ریشه‌های افراط‌گرایی اسلامی نیز هستند و با حضور در مرزهای افغانستان و پاکستان ضمن گذراندن دوره‌های آموزشی برخی از آن‌ها به چین بازگشته و برخی به گروه‌های تروریستی در سایر کشورهای اسلامی می‌پیوندند و خطر بازگشت آن‌ها نیز وجود دارد، این نگرانی این روزها با انتشار اخباری مبنی بر فعالیت داعش در افغانستان و پیوند احتمالی این جریان با گروه‌های افراطی و تکفیری موجود در افغانستان و آسیای میانه از جمله اخوانی‌ها، حقانی، حزب اسلامی و... بیشتر شده است. در همین راستا این نگرانی، به خصوص توسعه داعش از دغدغه‌های امنیتی ج.ا.ا نیز می‌باشد و لذا دو کشور در این مقوله دارای منافع مشترک می‌باشند که می‌تواند به‌عنوان یکی از زمینه‌های کار مشترک دو کشور محسوب گردد که زمینه‌های آن نیز فراهم است.

چین از دیر باز روابط آشکار و پنهانی را با طالبان داشته و اخیراً با توجه به فعال شدن جنبش ترکستان شرقی و تهدیدات حضور و فعالیت داعش در منطقه و نیز تهدیدات متوجه سیاست‌های اقتصادی چین در منطقه شامل بویژه در پاکستان، افغانستان و کشورهای آسیای مرکزی، چین در ارتباط با طالبان افغانستان و میانجیگری صلح افغانستان فعال‌تر شده و در تیرماه سال ۹۴ نیز یک دور مذاکرات صلح بین طالبان و دولت افغانستان به میزبانی پکن برگزار گردید و چین و پاکستان به‌عنوان تضمین مذاکرات و اجرای توافقات طرفین معرفی گردیده‌اند و از طرف دیگر اخباری مبنی بر سفر سخنگوی طالبان به ایران در اردیبهشت ماه سال ۹۴ منتشر شد و لذا همکاری مشترک با چین در خصوص وضعیت امنیتی افغانستان و گروه طالبان که به دنبال جایگاه سیاسی بیشتر و رسمی در آینده افغانستان می‌باشد از ضروریات بوده و باعث تقویت جایگاه ج.ا.ا در افغانستان خواهد شد.

ث - سیاسی

سیاست خارجی چین همواره مبتنی بر تنش‌زدایی و حفظ روابط مسالمت‌آمیز و حسنه با همسایگان بوده است. همچنین موضوع آینده و جایگاه افغانستان در رقابت‌های سیاسی منطقه‌ای هند و پاکستان و رقابت‌های هند و چین موضوعی است که سبب شده تا چین بیش از گذشته بر نقش خود در افغانستان بیفزاید. از سویی چین تلاش دارد با حمایت از صلح و ثبات در افغانستان ضمن بهره‌برداری سیاسی از توسعه این همسایه غربی خود، جایگاه آتی افغانستان را در سیاست‌های راهبردی خود تثبیت نماید. سیاست خارجی دولت جدید افغانستان به ریاست اشرف

غنی در اولویت دهی به محور پاکستان، چین و عربستان و کم‌رنگ شدن جایگاه هند نسبت به گذشته در این رویکرد، شرایط بهتری را برای چین برای حضور و نفوذ گسترده‌تر در این کشور فراهم نموده است.

- همان‌گونه که در مقدمه مقاله قید شده در این مقاله سعی گردید که به‌جای استفاده از منابع داخلی بیشتر از منابع و دیدگاه‌های رسمی افغانستان بهره‌برداری شود که در این راستا آنچه بیشتر به چشم می‌خورد دیدگاه نه چندان مناسب منابع رسمی افغانستان نسبت به ایران است به خصوص مطالب منتشره شده در مرکز مطالعات استراتژیک وزارت امور خارجه افغانستان نسبت به ج.ا.ا است که دائم تکرار شده که ایران به افغانستان به چشم ابزاری نگاه می‌کند که با توجه به حجم کمک‌های ج.ا.ا این موضوع کاملاً غیر منصفانه است و این در حالی است که چنین دیدگاهی نسبت به چین که کمک‌های نه چندان قابل توجهی به افغانستان نموده است جای تأمل دارد که لازم است در این خصوص نیز تدابیر لازم اندیشیده شود. - رئیس جمهور افغانستان در مراسم تحلیف خود اولویت سیاست خارجی خود را در چند حلقه را تعریف نمود و حلقه اول را کشورهای همسایه، حلقه دوم را کشورهای اسلامی و حلقه سوم را کشورهای آسیائی تبیین نمود که ج.ا.ا در هر سه این حلقه‌ها قرار دارد. دارای حلقه‌های مشترک بسیار زیادی با افغانستان بوده و علاوه بر آن پذیرای جمعیت چند میلیونی مهاجرین افغانی می‌باشد که بنابر تدابیر مقام معظم رهبری به خوبی از امکانات کشور و از جمله نعمت تحصیل رایگان برخوردار شدند از طرف دیگر ج.ا.ا به جهت اقلیم خشک در مناطق شرقی به آب رودخانه‌های هیرمند و هریرود شدیداً نیازمند است که با توجه به اتمام ساخت سد سلما و آغاز آب‌گیری آن در اوایل مرداد ماه سال جاری این نیازمندی در بخش تأمین آب شرب شهر مشهد بحرانی‌تر خواهد شد، لازم است جهت تأمین این نیاز و همچنین تحقق حق آبه توافق شده رودخانه هیرمند و با توجه به یافته‌های این تحقیق نسبت به توسعه روابط با افغانستان و مشارکت با چین و استفاده بهینه از ابزار موجود برنامه‌ریزی لازم معمول گردد در غیر اینصورت سیر سرد شدن روابط سیاسی دو کشور که از زمان روی کار آمدن دولت جدید آغاز شده است سرعت بیشتری گرفته و سایر کشورها عرصه را برای تعاملات سیاسی و اقتصادی ج.ا.ا در صحنه افغانستان تنگ‌تر خواهند نمود.

References

- Afghanistan Green Book, (2010), the Foreign Ministry Publication, Third Edition, Tehran.
- Allkozi, Rasoul, (2005), " the Role of the Regional Countries in the Process of Afghanistan Reconstruction-the role of China" (the Foreign Ministry Paper), [In Persian], Momivand Publication.
- Ali Abadi, Ali Reza (1996), "Afghanistan", the Foreign Ministry Publication, Third Edition, [In Persian], Tehran
- Barez, Abedin (2012), "the Encyclopedia of the Political Sciences",), [In Persian], Kabul, Movimand Publication.
- Bakhshi, Ali Aqa (2007), " the Encyclopedia of the Political Sciences"-Second Edition,), [In Persian], Tehran: Chapar Publication.
- Balkhi, Mirveis and et. al. (2014), "the Foreign Policy of Afghanistan toward China and its Effect on the Regional Cooperations-, [In Persian], First Edition(pp. 225-250).
- Daveed Garteustein – Ross, " Daniel Trombly & nathaniel Borr(octobre 2014), " haina s post – 2014, role in afghanistan" FDD Press
- Majrooh, Said Khalid(2011), "The Short-Term Foresight of Afghanistan-China Realties", [In Persian],
- Matsuda Yasuhiro(December 2006), "An Eassay on Chana s Military Diplomacy: Examination of Foreign Strategy, NIDS Security Reportsm, No. 7.

- Mola Zehi, Pir Muhammad(2004), "The Stability in Afghanistan and its Role on the National Security of the I. R. of Iran", the Asia Book, No 3, Abrar Moaser Publication, [In Persian], Tehran
- Sokhanyar, Qulam Muhammad (2005), the 50 Years of Relations between Afghanistan-China, the center for the Strategic Studies of the Foreign Ministry, [In Persian], Kabul.
- Monadi, Said Mahdi(2014), "The Foreign Policy of Afghanistan toward Iran, its Effect on the Regional Cooperation", [In Persian], First Edition(pp 99-126).
- Malak, Setiz, " a Survey of the Role of China in the Region and Afghanistan", [In Persian], <http://www.tkg.af/dari/analysis/analysis/8506>. -www.bbc.com/.../12110
- Nami, Muhammd Hassan(2007) The Geography of Afghanistan, the Publication of the Organization of Geography of the Armed Forces, [In Persian], Tehran.
- Oyshenik, Elizabeth (2014), "Afghanistan Challenges, The Objectives for the Regional Security of China-Part 2), translated by Hamidi,), [In Persian], Khali-0-Lah, Tehran.
- RahimPoor, Ali (2008), the Geo-strategic Transformations in 21st Century and the Regional Status of Iran, the Political-Economic Information Journal, [In Persian], issues No. 183-184.
- Shafiee, Nozar(spring and summer of 2004), the Political Study of US in Afghanistan, Concerned the Big Middle East Plan, The Nehzat(Movement) Seasonal Newsletter, [In Persian], The 5th Year, No. 17-18.
- Shribani, Qavam(2008), Iran's Security and the NATO Approach in the Central Asia, the Foreign Ministry Publication, [In Persian], Tehran.
- Sokhanyar, Qulam Muhammad (2005), the 50 Years of Relations between Afghanistan-China, the center for the Strategic Studies of the Foreign Ministry, [In Persian], Kabul.
- Tamana, faramarz, (2014), Afghanistan Foreign policy in global active system, the center for the Strategic Studies of the Foreign Ministry, [In Persian], Kabul.
- The Office for the Political and International Studies (1999), china-First Edition, [In Persian], Tehran.
- The Defensive-Strategic Studies Group, Afghanistan Case Study, Farabi Think-tank Publication, [In Persian], Tehran.
- The International Center for Peace(2012), "The China's Strategic view of Afghanistan" quoted from <http://peace-ipsc.org>.
- Internet**
- Hamidi, khalil-o-lah, 2015, afghanistan view of china, available in <http://www.iss.europa.eu/document-search->
- Ketvazi, Ahmad Shah (1993), The Relations between Afghanistanand-China and its Feect on Pakistan available in <http://www.khaama.com/persian/archives/19133>.
- Manshoo, Renard(1990), The First contract of Oil Extraction with Afghanistan and China available in: <http://www.radiofarda.com/24436400.html>
- Maftoon, Khalid(1993), Unlimited Aids of China to Afghanistan available in . <http://www.darivoa.com/content/2502188.html>
- Sirat, Hossein(2015), The Signature of MoU on Anti-Terrorism between Afghanistan-China available in. <http://www.dw.com/fa-af>
- site, afghanistan_china_oil_gas_deal_the_first_security_amodarya, (2015), Available in, -<http://www.radiofarda.com/content/f2/24436400.html>
- site, (2015), afghan_china_political_economical_agreements available in -<http://www.khaama.com/persian/archives/19133>
- Site, (1993), The Signing of Four Cooperation Agreement Between Afghanistan and China available in http://www.bbc.com/persian/afghanistan/2014/10/141028_fm_afghan_china_political_economical_agreements.